راهنمایی‌های ارزشمند درباره‌ی لباس و آرایش زنان

تألیف:

مرفت بنت کامل أسره

ترجمه:

اسحاق دبیری/

بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب

بسم الله الرحمن الرحیم

مقدمه

إن الحمد لله نحمده ونستعينه ونستغفره، ونعوذ بالله من شرور أنفسنا ومن سيئات أعمالنا، مَن يهده الله فلا مضلَّ له ومَن يضلل فلا هادي له، وأشهد أن لا إله إلاَّ الله وحده لا شريك له، وأشهد أنّ محمداً عبده ورسوله. ثم أما بعد:

از ظریف‌ترین خصوصیات زنان، توجه زیاد به ظاهر خود و آراستگی و آرایش است، که این خصوصیت از زمان کودکی نمایان می‌شود.

خداوند تعالی می‌فرمایند: ﴿أَوَمَن يُنَشَّؤُاْ فِي ٱلۡحِلۡيَةِ وَهُوَ فِي ٱلۡخِصَامِ غَيۡرُ مُبِينٖ ١٨﴾. [الزخرف: 18].

«آیا کسی را که در لابه‌لای زینت و زیور پرورش می‌یابد، و به هنگام گفتگو و کشمکش در بحث و مجادله (به خاطر حیا و شرم و عاطفهٔ نازکی که دارد) نمی‌تواند مقصود خود را خوب و آشکار بیان و اثبات کند. (فرزند خدا می‌دانید)».

و هرگاه توجه زن به آراستگی خود برای خوشحال کردن همسرش باشد، باعث نزدیک شدن او به خداوند ـ عزوجل ـ می‌گردد، همچنان که در حدیث أبوهریرهس آمده است که گفته‌اند: «**سئل رسول الله ص أي النساء خير؟** قال: «**الذى تسره إذا نظر إليها، وتطيعه إذا أمر، ولا تخالفه حينما يكره في نفسها وماله**»[1]، از رسول اللهص پرسیده شد: بهترین زنان کدامند؟ فرمودند: «زنی که هر گاه شوهرش به او نگاه کند باعث خوشحالی او می‌شود، و هنگامی که شوهر به او دستور می‌دهد می‌پذیرد، و [مواردی که]

1- أحمد و دیگران و آلبانی آن را صحیح شمرده است.

شوهر دوست دارد علیرغم میل زن درباره او و مالش انجام شود زن با آنها مخالفت نمی‌کند».

زنان و دختران مسلمان باید قبل از اینکه درباره آرایش و لباس تصمیم بگیرند به بررسی و تحقیق و پرسش در مورد احکام مرتبط با این امور، اقدام کنند. خصوصا در این زمانه که اعمال ناپسند شیوع و بی‌دینی رواج پیدا کرده و زبانه آتش مدهای لباس پوشیدن، آرایش مو، لوازم آرایشی، و دیگر اصطلاحاتی که زنان در این مورد استفاده می‌کنند، فراگیر شده است.

[اهمیت دادن به موضوع بدین علت است که] خداوند ـ سبحانه وتعالی ـ ما را مورد باز خواست قرار خواهد داد و در مورد تمام کارهایمان در این دنیا سؤال می‌کنند، پیامبرص می‌فرمایند: «**لا تزول قدما ابن آدم يوم القيامه من عند ربه حتى يسأل عن خمس: عن عمره فيم أفناه، وعن شبابه فيم أبلاه، وعن ماله من أين اكتسبه وفيم أنفقه، وماذا عمل فيما علم**»[1]. «در روز قیامت انسان همچنان ثابت در مقابل پروردگار باقی می‌ماند تا اینکه دربارۀ 5 مورد از او **سوال** شود: از عمرش که در چه راهی آن را سپری کرده است، و جوانی‌اش که چگونه گذرانده، و مالش که از چه راهی به دست آورده و در چه راهی خرج کرده است، و تا چه حدی به آموخته‌های خود عمل نموده است».

بلکه خداوند ـ جل وعلا ـ از ظریفترین مسائل و ساده‌ترین آنها از ما سؤال خواهند نمود همانطور که قرآن به آن اشاره می‌کند: **﴿وَلَتُسۡـَٔلُنَّ عَمَّا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ﴾**. [النحل: 93].

«و بی‌تردید در برابر کارهایی که می‌کنید [مسؤولید و] از شما بازخواست می‌شود» یعنی خداوند در روز قیامت از شما درباره تمام کارهایتان می‌پرسد و مطابق آن به شما پاداش می‌دهد. [از کوچکترین اعمال حتی اعمالی که مانند: رشته نازک میان هسته خرما و سوراخ کوچکی که در پشت آن قرار دارد و پوسته نازکی که دور آن هست پرسیده

1- الترمذی و آلبانی آن را حسن شمرده است.

می‌شود]. وقتی که از اموری تا این اندازه کوچک **سوال** می‌شود پس در مقابل، مسائل بزرگ چگونه برخورد می‌شود؟.

خواهر عزیزم این نوشته دربارۀ یادآوری احکام شرعی درباره لباس و آرایش است که باید آن را رعایت نماییم، تا از دچار شدن به بسیاری از ناهنجاریهای موجود که تعداد زیادی از زنان و دختران آن را کم اهمیت می‌پندارند، مصون بمانیم.

از خداوند ـ عزوجل ـ خواستارم که لباس پرهیزگاری را بر ما بپوشانند و ما را با ایمان زینت ببخشند.

همچنین خواستاریم که با خوبیهایمان ترازوی اعمالمان را سنگین بنمایند. و خطاها و لغزشها و کمبودهای ما را ببخشایند.

وصلی الله وسلم علی نبینا محمد وعلی آله وصحبه أجمعین.
وآخر دعوانا أن الحمدلله رب العالیمن.

قوانین کلی این درباره لباس و آرایش

در ابتدا باید به مشخص کردن مهمترین قوانین اصلی که به طور کلی در زندگی و به ویژه در زمینه لباس و آرایش باید به آن پایبند باشیم بپردازیم، که عبارتند از:

1- خودداری از کسب مال حرام.

2- اجتناب از اسراف کردن.

3- عدم تقلید.

4- پرهیز از محرمات.

اولاً: خودداری از به دست آوردن مال حرام

یکی از مهمترین مسائلی که در زندگی باید تاکید زیادی بر آن داشته باشیم: اجتناب از به دست آوردن مال حرام، و دوری از آن است. چنانکه خداوند می‌فرماید: ﴿وَيُحِلُّ لَهُمُ ٱلطَّيِّبَٰتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيۡهِمُ ٱلۡخَبَٰٓئِثَ﴾. [الأعراف: 157].

«طیبات و آنچه را طبع سلیم می‌پسندد، برای آنها حلال می‌شمرد، و آنچه خبیث و تنفرآمیز باشد بر آنها تحریم می‌کند».

بلکه عاقبت کسب حرام، قبول نشدن دعا می‌باشد. پیامبرص می‌فرمایند: «**يا أيها الناس إنَّ الله طيّب لا يقبل إلاَّ طيباً. وإنَّ الله أمر المومنين بما أمر به المرسلين**» یعنی: «خداوند پاک است و به جز پاکی چیزی را قبول نمی‌کند، و خداوند به مومنین همان دستوری را داده‌اند که به مرسلین داده‌اند» خداوند می‌فرماید: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلرُّسُلُ كُلُواْ مِنَ ٱلطَّيِّبَٰتِ وَٱعۡمَلُواْ صَٰلِحًاۖ إِنِّي بِمَا تَعۡمَلُونَ عَلِيمٞ ۝٥١﴾. [المؤمنون: 51].

«ای پیامبران! از غذاهای پاکیزه بخورید و عمل صالح به جا آورید که من به آنچه شما انجام می‌دهید آگاهم». و پیامبر ص این آیه را می‌خواندند: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ كُلُواْ مِن طَيِّبَٰتِ مَا رَزَقۡنَٰكُمۡ﴾. [البقرة: 172].

«ای افراد با ایمان از نعمتهای پاکیزه که به شما روزی داده‌ایم بخورید»، و سپس از مردی یاد کردند که سفر طولانی داشته است، در حالی که ژولیده و غبار آلوده است، دستهایش را به طرف آسمان دراز می‌کند [و می‌گوید]: ای پروردگارم، ای پروردگارم. و [این در حالی است که] غذا، نوشیدنی و لباسش حرام است و با حرام تغذیه شده، پس چگونه دعایش مستجاب می‌شود؟»[1].

امروزه راههای مختلفی برای کسب مال حرام وجود دارد که مجالی برای بر شمردن همه آنها در اینجا وجود ندارد، و از بین آنها فقط به ذکر یک مورد پسنده می‌کنم که نسبت به بقیه شیوع بیشتری پیدا کرد و آن، گرفتار شدن به ربا است. ربا گناه بسیار بزرگ و از جمله معصیتهای نابود کننده می‌باشد، همانطور که در حدیث پیامبرص نقل شده است که فرمودند: «**اجتنبوا السبع الموبقات**» وذكر منها: «**وأكل الربا**»[2] [می‌فرمایند]: که «از هفت گناه نابود کننده برحذر باشید». که از جمله آنها «ربا خوردن» را ذکر کرده‌اند.

گناه ساده‌ترین نوع ربا، برابر با نفرت انگیزترین معصیت است. پیامبرص می‌فرمایند: «**الربا اثنتان وسبعون باباً أدناها مثل إتيان الرجل أمه، وإن أربى الربا استطالة الرجل في عرض أخيه**»، «ربا هفتاد و دو درجه دارد پایین‌ترین آن مثل این است که شخص با مادرش زنا کند، و بالاترین درجه ربا تجاوز شخص به ناموس برادرش می‌باشد».

یکی از انواع ربا که بعضی از زنان به آن دچار می‌شوند هنگام خرید و فروش طلا است، که شیخ محمد بن صالح بن عثیمین: دربارۀ این نوع ربا چنین فتوا داده است:

1- مسلم.

2- متفق علیه.

سؤال: امروزه طلا فروشیها طلای مستعمل را مثلاً با قیمت هر مثقال سی‌هزار تومان می‌خرند و طلای جدید را هر مثقال چهل هزار تومان می‌فروشند. حکم این مساله چیست؟.

جواب: عوض کردن طلای قدیمی با طلای جدید که مبلغی [نیز برای خرید] باید به آن اضافه کرد، جایز نیست. این کار حرام و نارواست و این قضیه با داستان بلالس که در صحیحین و کتابهای دیگر به تثبیت رسیده مشخص می‌شود [آمده است که]: «بلالس برای پیامبرص خرمای مرغوبی آورد، پیامبرص به او گفتند: «این خرما را از کجا آورده‌ای؟» بلالس گفت: [مقداری] خرمای نامرغوب داشتیم پس دو پیمانه از آنرا در مقابل یک پیمانه [از این خرمای خوب] فروختم تا پیامبرص از آن بخورند. پس پیامبرص فرمودند «**أوّه لا تفعل عين الربا عين الربا**»: «آه. هرگز این کار را نکن، زیرا چیزی که شبیه ربا باشد خود ربا است». پیامبرص مشخص کرده‌اند که مازادی که به علت اختلاف صفات چیزهایی که باید [در هنگام معامله] با هم برابر باشند این مازاد اصل ربا است. و شخص نمی‌تواند این کار را انجام دهد، ولی رسول اللهص طبق عادتشان، [بلالس] را به راه مباح راهنمایی کردند، پس پیامبرص به او یاد داد که خرمای کهنه را بفروشد و سپس با پول آن خرمای تازه بخرد.

بنابراین می‌گوییم: اگر زنی طلای کهنه داشت یا اینکه مردم دیگر از آن مدل استفاده نمی‌کردند، پس باید آن را در بازار بفروشد، و پولش را بگیرد و با آن طلای خوبی را که انتخاب کرده است بخرد.

این روشی است که پیامبرص برای ما معین کرده‌اند[1].

سوال: کسی که طلایی خریده است و معامله تمام شده و پول آنرا پرداخت کرده است ولی مقداری از آن باقی مانده باشد، آیا جایز است که برود و بعد از مدت کوتاهی

1- کتاب «من الأحكام الفقهية فی الفتاوی النسائية» ص 26.

باقیمانده پول را مثلاً از داخل ماشین یا از بانک بیاورد و تا زمان آوردن بقیه پول، طلا را تحویل نگیرد، آیا این کار درست است، یا اینکه باید بعد از آوردن باقیمانده پول دوباره صیغه معامله جاری شود؟.

جواب: بستن دوباره قرارداد بعد از آوردن باقیمانده مبلغ بهتر است، و این کار هیچ ضرری بجز تکرار صیغه قرارداد ندارد، و بهتر است تا آوردن مبلغ کامل پول، قراردادی بسته نشود. زیرا قبل از اینکه کامل بودن مبلغ هیچ دلیلی برای بستن قرارداد وجود ندارد. والله الموفق[1].

سوال: حکم معامله با چک در هنگام خریدن طلا چیست، این در صورتی است که پول باید هنگام خرید پرداخت شود، و از آنجا که بعضی از مردم ترس به خطر افتادن جانشان و به سرقت رفتن پولشان را دارند، معاملاتشان را به وسیله چک انجام می‌دهند؟

جواب: در خرید و فروش طلا و نقره جایز نیست که با چک معامله شود، به این دلیل که چک، قبض پرداخت نیست بلکه فقط یک سند حواله است. با این دلیل که شخصی که چک را تحویل گرفته اگر نتواند مبلغ آنرا دریافت کند یا چک گم شود به شخصی که چک را از او گرفته است مراجعه می‌کند، و اگر قبض پرداخت باشد این کار صورت نمی‌گیرد. توضیح بیشتر این که اگر شخصی قطعه طلایی را بخرد و پول آنرا پرداخت کند و فروشنده پول را دریافت کند و آن مبلغ را از دست بدهد، دوباره به خریدار مراجعه نمی‌کند. ولی اگر از خریدار چک دریافت کرده است و آنرا به بانک ببرد تا نقد کند، و چک را گم کرد، یا نتوانست این کار را انجام دهد برای دریافت پول به خریدار مراجعه می‌کند، این عمل نشان می‌دهد که چک یک قبض پرداخت نیست. و اگر قبض پرداخت نباشد خرید و فروش به وسیله آن درست نیست. برای این که پیامبرص دستور داده‌اند که خرید و فروش طلا و نقره دست به دست باشد. مگر اینکه چک از طرف بانک تایید شده

1- کتاب «الفتاوى الإسلامية»، (359/2).

باشد یا اینکه فروشنده با بانک تماس بگیرد و بگوید که بانک پول را بعنوان امانت برای او نگهدارد، [و از وجود پول در آن حساب مطمئن شود]. در این صورت اجازه دارد [که چک را قبول کند]. والله اعلم[1].

سوال: حکم امتناع از تحویل دادن طلا چیست؟ و این کار هنگامی است که خریدار مقداری از مبلغ را پرداخت کرده است و تا زمان پرداخت کامل مبلغ، طلا نزد فروشنده باقی بماند؟.

جواب: این کار جایز نیست، برای این که هر گاه طلا فروخته شد از شرایط خرید و فروش این است که کالا از فروشنده به خریدار منتقل شود، و این کار [عدم انتقال کالا به خریدار] حرام است. بلکه فروشنده باید مبلغ کامل را دریافت کند سپس خریدار اگر خواست طلا را نزد او بگذارد و اگر خواست طلا را بگیرد، ولی اگر خریدار مقداری پول گرو بگذارد تا فروشنده طلا را نفروشد و خریدار برود و باقیمانده پول را بیاورد و عقد قرارداد را تمام کند، بعد از آن این کار جایز است، برای اینکه هیچ قراردادی قبل از حاضر بودن مبلغ بسته نمی‌شود[2].

سوال: کسی که طلایی می‌خرد و مقداری از مبلغ آنرا پرداخت نکرده است و گفته باقیمانده آنرا هر وقت که توانستم می‌آورم، حکم او چیست؟.

جواب: این کار جایز نیست و اگر این کار را انجام بدهد، این عمل در مقابل مبلغی از کل قیمت شیء مورد معامله که از خریدار تحویل می‌گیرد صحیح است، و دربارۀ بقیه مبلغ (که از او نگرفته است) صحیح نیست، زیرا پیامبرص درباره خرید و فروش طلا و نقره فرموده‌اند که: «**بیعوا کیف شئتم إذا کان یداً بید**»، «اگر [خرید و فروش طلا نقره] دست به دست بود، هر طور که خواستید آن را خرید و فروش کنید»[3].

1- کتاب «الفتاوى الإسلامية»، (360/2).

2- منبع سابق (360/2).

3- منبع سابق، (361/2).

پس خواهر عزیزم مواظب اموالت باش تا به هیچ کدام از انواع مختلف ربا آلوده نشود، و به یاد داشته باش که در روز قیامت از تو درباره راههای کسب و خرج اموالت سوال خواهد شد. آن روز، روزی است که مال فرزندان [برای انسان] فایده‌ای ندارند مگر کسی که با قلبی مطمئن در نزد خداوند حاضر شود، چنان‌چه در حدیثی که قبلاً ذکر شد [نقل شده است]: «**... وماله من أين اكتبسه وفيم أنفقه**»، «... و دربارۀ مالش [از او سوال می‌شود] که از کجا به دست آورده و در چه راهی خرج کرده است».

سپس آیا برای این سوال جوابی آماده کرده‌ای؟!.

ثانیاً: اجتناب از اسراف کردن

یکی از قوانین اصلی اسلام که در زندگیمان باید طبق آن عمل کنیم میانه‌روی و عدم اسراف در تمامی جلوه‌های زندگی مخصوصاً در لباس پوشیدن و خودآرایی می‌باشد.

با یک نگاه گذرا به وضعیت خودمان متأسفانه مشاهده می‌کنیم که بسیاری از ما فریب خریدن لباسهایی با مارک خارجی و گران قیمت را خورده‌ایم تا حدی که پیروی از مد روز و خرید بیش از حد این مارکها با هر قیمتی که باشد، عادت بسیاری از ما شده است. اسراف در خرید لباس معمولاً اسراف در تزیینات را به همراه دارد و باعث شده است کالاهای فروشندگان طلا، جواهر، ساعت و دیگر کالاهای تجملاتی آن چنان متقاضیان و مشتریان فراوانی پیدا کنند که قبلاً چنین سابقه‌ای نداشته است!.

بلکه در بین ما کسانی هستند که برای هر لباسی جواهر متناسب با آن را اختصاص داده‌اند، و هر لباس جدیدی تنها به یک مناسبت اختصاص دارد آن را فقط در آن مناسبت می‌پوشند و دیگر نمی‌پوشند! حتی کمدهای لباس و تزیینات تاب تحمل محتویات خودشان را ندارند! خواهر عزیزم آیا بیاد نمی‌آوری.... که ما در این دنیا مثل مسافر هستیم؟!.

زمانی که سلمان‌س در بستر مرگ بود، گریه کرد و گفت: پیامبرص ما را مأمور کاری کردند پس ما آن ماموریت را انجام ندادیم، و آن [ماموریت] این بود که هر کدام از ما از

مال دنیا به اندازه توشه یک مسافر به همراه داشته باشیم. سپس گفت[1]: به آنچه که [سلمانس از دارایی] به جا گذاشته بود نگاه کردیم که قیمت آن بیست و چند یا سی و چند درهم بود[2].

کاش می‌دانستیم که ما کجاییم و آن [صحابی] س کجاست؟ و چه مقدار از مال دنیا از خود به جا می‌گذاریم؟ و تا کی در خواب غفلت غوطه‌ور خواهیم بود؟ ای دوست من آیا در نظر نمی‌گیری .... که این مال امانتی است که بر گردن ما است و در روز قیامت که روز حسرت و پشیمانی است از ما درباره آن سوال خواهند کرد.

وقتی که از شیخ عبدالعزیز بن باز:: پرسیده شد: آیا صحیح است که انسان در روز قیامت به خاطر لباسی که پوشیده است مورد بازخواست قرار می‌گیرد؟.

ایشان :: جواب دادند: بله، همانگونه که در حدیث شریف نقل شده است، از انسان درباره مالش که از کجا به دست آورده و در چه راهی خرج کرده سوال می‌شود»[3].

از شیخ دکتر صالح فوزان ـ حفظه الله ـ پرسیده شد: با این دلیل که خداوند دوست دارد ببیند که بندگانش از نعمتهایش استفاده می‌کنند، بعضی از زنان برای خرید لباسها و جواهراتشان مبلغ هنگفتی را خرج می‌کنند، شما در این باره چه توضیحی می‌دهید؟.

ایشان – حفظه الله تعالی – چنین جواب دادند که: کسی که خداوند مال حلالی به او عطا کرده است، پس خداوند به او نعمتی ارزانی داشته است که باید شکر آن را به جا آورد، که این کار با بخشش کردن مال و خوردن و پوشیدن که از روی اسراف و فخر فروشی نباشد صورت می‌گیرد. اعمال بعضی از زنان مانند زیاده‌روی در خرید وسایل، بیشتر آنها هیچ دلیلی به جز فخر فروشی و همراهی با تبلیغات تولید کنندگان و فروشندگان کالاها ندارد. همه اینها اسراف و تبذیر است و موجب از بین رفتن اموال

1- یعنی: راوی حدیث گفت.

2- أحمد در مسند، (438/5).

3- کتاب «فتاوی المرأة»، ص 164.

است که از آن نهی شده است. بر زن مسلمان واجب است که در این زمینه میانه‌روی کند و از خودآرایی و زیاده‌روی در آرایش کردن مخصوصاً هنگام خارج شدن از منزل خودداری نماید[1].

خواهر عزیزم! قبل از اینکه برای خریدن لباس و جواهراتی که حمل آنها راحت است و قیمت‌های بالایی دارند تصمیم بگیری، گفتار پیامبرص را در نظر داشته باش که: «**من ترک اللباس تواضعاً لله وهو یقدر علیه دعاه الله یوم القیامة علی رؤوس الخلائق حتی یخیره من أی حلل الإیمان شاء یلبسها**»[2]، «کسی که از پوشیدن لباسی به خاطر تواضع در برابر خداوند خودداری کند، در حالی که می‌تواند آن را بپوشد، خداوند او را در روز قیامت از بین تمام مخلوقات فرا می‌خواند و به او اجازه انتخاب هر کدام از لباسهای ایمان که می‌خواهد بپوشد، می‌دهد».

همواره این نکته را در نظر بگیریم که زیاده‌روی در خرج کردن اموال برای خرید بیش از حد نیاز لباس و وسایل زینتی و دیگر ضروریات زندگی، چیزی جز اسراف نیست که خداوند در قرآن ما را از آن بر حذر داشته است: ﴿إِنَّ ٱلۡمُبَذِّرِينَ كَانُوٓاْ إِخۡوَٰنَ ٱلشَّيَٰطِينِۖ وَكَانَ ٱلشَّيۡطَٰنُ لِرَبِّهِۦ كَفُورٗا ٢٧﴾. [الإسراء: 27].

«تبذیرکنندگان برادران شیاطینند (چرا که نعمتهای خدا را کفران می‌کنند) و شیطان، در برابر پروردگارش بسیار ناسپاس بود (و تمام توان خویش را در فساد و نافرمانی از خدا می‌گذارند. اسراف هم فساد و نافرمانی است، از آن خویشتن را بر حذر دارید تا همچون شیاطین به شمار نیائید و با ایشان در آخرت به دوزخ نیفتید)».

پس قبل از اینکه به حساب اعمال ما رسیدگی کنند باید با خودمان به اعمال خودمان رسیدگی و تلاش کنیم که با در اختیار قرار ندادن زمام امور به دست نفس برای رسیدن به خواسته‌هایش. پیروی از لذتهای زودگذر دنیا را، ترک کنیم.

1- کتاب «الفتاوی الجامعة للمرأة المسلمة»، (901/3).

2- الترمذی و دیگران و آلبانی آنرا حسن شمرده است.

باید همواره حدیث رسول اللهص را به یاد بیاوریم: «**یا معشر النساء تصدّقن ولو من حلیکنَّ فإنکنَّ أکثر أهل جهنم یوم القیامة**»[1].

«ای زنان صدقه بدهید و حتی اگر از زینتهایتان باشد، برای اینکه در روز قیامت بیشتر أهل جهنم شما هستید».

ثالثاً: پرهیز از پیروی از دیگران

اهمیت این بخش اگر از دو بخش قبلی بیشتر نباشد، کم اهمیت‌تر از آنها نیست، و منظور از آن عدم الگو برداری و مشابهت با دیگران در ظاهر و باطن می‌باشد که این کار حرام است مطابق با فرموده کلی پیامبرص: «**من تشبه بقوم فهو منهم**»[2]، «کسی که از گروهی تقلید کند، از جمله آنها است».

تقلید دو نوع است:

الف) مشابهت با غیر مسلمانان.

ب) خود را به شکل مردان در آوردن.

الف) مشابهت با غیر مسلمانان

از نتایج شکست روحی که بسیاری از زنان و دختران امروز با آن زندگی می‌کنند، گرفتار شدن آنها به مشابهت با غیر مسلمانان در جوانب مختلف زندگی از جمله بارزترین انواع آن: لباس و آرایش می‌باشد.

1- أحمد و آلبانی آنرا صحیح شمرده است.

2- أبو داود و دیگران و آلبانی آنرا صحیح شمرده است.

و آنچه که ـ در اینجا ـ باید به آن توجه کرد این است که تقلید یا هماهنگی در ظاهر به آرامی موجب همسان شدن در باطن می‌شود. همانطور که شیخ الاسلام ابن تیمیه[1] اشاره کرده است، که از ثمرات آن به وجود آمدن تدریجی محبت در قلب می‌باشد، در این صورت قیدهای دوستی و صداقت در بافت عقیده کم کم از هم می‌پاشد! دوستی، صداقت و محبت به خاطر خداوند و متنفر شدن به خاطر خداوند از مهمترین عوامل سازنده ایمان هستند و پیامبرص می‌فرمایند: «**أوثق عرى الإيمان الحب في الله**».

«محکمترین نشانه ایمان دوست داشتن به خاطر خداوند و متنفر شدن برای رضای خداوند می‌باشد».

پس دوست داشتن به خاطر خداوند باید شامل هر کسی شود که در داخل دایرۀ توحید باشد، و متنفر شدن به خاطر خداوند شامل کسی می‌شود که در هر زمان و مکانی از دایره ایمان خارج شود.

از نمونه‌های تقلید زنان از غیر مسلمانان در زمینه لباس که امت به آن دچار شده است و در دوران اخیر بین دختران جوان نمایان شده است، پوشیدن لباسهای قرمز رنگ و تبادل گلهای قرمز در روز (14 فوریه) بزرگداشت جشن عشق - جشن کشیش والنتاین ـ می‌باشد که تمام جزییات و کلیات آن حرام است، برای اینکه شبیه جشنهای کفار است، و شیخ الاسلام (ابن تیمیه) صورتهای مختلفی از مواردی که متعلق به جشنهای کفار می‌باشد و مسلمانان به آن دچار می‌شوند، شرح داده‌اند، ایشان: گفته‌اند: «برای مسلمانان جایز نیست که از کفار در مورد اموری که مخصوص اعیاد آنها است تقلید کنند، نباید از غذا و لباس و غسل و آتش روشن کردن آنها تقلید کنند، و روشهای مرسوم زندگی و عبادت را تغییر بدهند، و مثل آنها سور بر پا کنند و هدیه بدهند. فروختن چیزهایی که از

1- برای اطلاع بیشتر به کتاب «اقتضاء الصراط المستقیم» مراجعه شود.

آنها برای چنین کارهایی استفاده می‌شود حرام است. ترغیب کردن کودکان به بازیهایی که آنها در این اعیاد انجام می‌دهند و همچنین خود آرایی به روش آنها حرام می‌باشد[1].

به طور کلی بهتر است که ما به دین خودمان افتخار کنیم و در ظاهر و باطن متکی به شخصیت اسلامی خودمان باشیم، و از روش غیر مسلمانانی که بر صفحه تلویزیون یا در مجلات ظاهر می‌شوند پیروی نکنیم. شیخ محمد بن صالح بن عثیمین :: می‌گوید: نباید از مجلات لباس پیروی کرد و این مجلات که لباسها را عرضه می‌کنند باید کنترل شوند، زیرا [پوشیدن] هر لباسی حلال نیست، و این گونه لباسها به علت تنگی و .... باعث ظاهر شدن عیب‌ها و نمایان شدن بدن می‌شوند و جزو لباسهایی هستند که مخصوص کفار می‌باشد. همانگونه که پیامبرص فرموده است، الگوبرداری و تقلید از کفار حرام است: «**من تشبه بقوم فهو منهم**»، «کسی که از گروهی تقلید کرد از جمله آنها است»، پس من به همه مسلمانان به طور عموم و به ویژه خواهران مسلمان توصیه می‌کنم بهتر است که از [پوشیدن] این لباسها اجتناب کنند زیرا این امر تقلید از غیر مسلمانان است، و موجب ظاهر شدن قسمت‌هایی از بدن می‌شود. روی آوردن زنان به لباسهای مد روز، غالباً مستلزم تغییر آداب و رسوممان است که دینمان پیروی از آداب و رسوم دیگران به ویژه غیر مسمانان، حرام کرده است»[2].

مظاهر تقلید از غیر مسلمانان در خودآرایی

از جمله آنها برای مثال:

1- کتاب «مجموع الفتاوی»، (329/25).

2- قسمتی از فتوای شیخ : در کتاب «الفتاوی الجامعة للمرأة المسلمة»، (861/3).

1- قرار دادن حلقه ازدواج در دست راست و انتقال آن به دست چپ در شب زفاف.

این کار در اصل یک رسم قدیمی مسیحیان بوده است، بدین صورت که داماد حلقه ازدواج را روی انگشت شست دست چپ عروس می‌گذارد و می‌گوید: قسم به پدر، بعد حلقه را روی سر انگشت سبابه می‌گذارد و می‌گوید: قسم به پسر، بعد آن را روی سر انگشت وسط می‌گذارد و می‌گوید: قسم به روح القدس، و زمانی که آمین گفت در مرحله آخر حلقه را در انگشت بنصر[1] او قرار می‌دهد!.

از دلایلی که برای گذاشتن حلقه در دست چپ گفته می‌شود این است که یک رگ خونی که مستقیم به قلب وصل است در این دست قرار دارد[2]!.

چیزی که جای تاسف دارد [این است که] بسیاری از ما به این رسم اشتباه که هیچ پایه اسلامی ندارد پای بندیم، و همان طور که قبلاً گفتیم این امر از اصلی‌ترین اعتقادات باطله نصاری می‌باشد.

ممکن است بگویند: منظور مــن پیروی از این اعتقادات باطل نیست ـ العیاذ بالله ـ و فقط یک عادت اجتماعی است نه بیشتر.

در جوابش می‌گویم که: آیا در کتاب و سنت چیزی که مشروعیت استفاده از حلقه را تعیین کرده باشد، وجود دارد؟ آیا زنان پیامبرص و دختران ایشان و زنان صحابه رضوان الله تعالی علیهن أجمعین، این کار را انجام داده‌اند؟.

در ادامه آیا دوستی و صداقت جزئی از اعتقادات اهل سنت و جماعت نیست؟ آیا ما خواستار مخالفت با غیر مسلمانان در روش زندگیمان نیستیم؟ خداوند می‌فرمایند: (يَـٰٓأَيُّهَا

1- بُنْصُر: انگشتی که بین انگشت وسطی و انگشت کوچک است، و آنرا انگشت انگشتر می‌نامند.

2- برای کسب اطلاع بیشتر به کتاب «آداب الزفاف»، ص 123، تالیف شیخ آلبانی مراجعه شود.

ﭐلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَتَّخِذُواْ ٱلۡيَهُودَ وَٱلنَّصَٰرَىٰٓ أَوۡلِيَآءَۘ بَعۡضُهُمۡ أَوۡلِيَآءُ بَعۡضٖۚ وَمَن يَتَوَلَّهُم مِّنكُمۡ فَإِنَّهُۥ مِنۡهُمۡۗ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلظَّٰلِمِينَ ٥١﴾. [المائدة: 51].

«ای مومنان! یهودیان و نصاری را به دوستی نگیرید [و به طریق اولی آنان را به سرپرستی نپذیرید]. بعضی از آنها دوست گروه دیگرند. [و در دشمنی با شما یکسان و برابرند] هر کس از شما با ایشان دوستی ورزد [و آنان را به سرپرستی بپذیرد] بیگمان او از زمره ایشان به شمار می‌آید. بی‌تردید خداوند چنین افراد ستمگری را [به سوی ایمان] هدایت نمی‌کند».

وقتی که این عادت اجتماعی پایه شرعی ندارد پس در حقیقت برگرفته از آداب و رسوم غیر مسلمانان می‌باشد.

در این صورت صحیح نیست که به ما نسبت داده شود، و برای ما جایز نیست که از آن پیروی کنیم. زیرا پیامبرص می‌فرماید: «**من تشبه بقوم فهو منهم**»، «کسی که از گروهی تقلید کرد از جمله آنهاست»، و همچنین پیامبرﷺ فرمودند: «**ليس منا من تشبه بغيرنا، لا تشبهوا باليهود ولا بالنصارى ...**»[1]، «کسی که از غیر از ما [مسمانان] تقلید می‌کند از ما نیست، از یهود و نصاری تقلید نکنید ....».

در فتاوای شیخ عبدالعزیز بن باز :: درباره حکم استفاده از حلقه چنین آمده است که: برای این کار در شریعت اساسی وجود ندارد، و ترک آن بهتر است و فرقی نمی‌کند که حلقه از جنس نقره باشد و یا از چیز دیگری باشد[2]. بلکه استفاده از حلقه تا حدی مهم و خطرناک است که ممکن است به حد شرک برسد!.

علامه شیخ محمد بن صالح بن عثیمین :: گفته‌اند: «استفاده از حلقه برای مردان و زنان یک بدعت است، و شاید از کارهای حرام باشد، به این دلیل که بعضی از مردم معتقدند

1- قسمتی از حدیثی که ترمدی آن را تخریج کرده و آلبانی حسن شمرده است.

2- قسمتی از فتوای شیخ: در کتاب «فتاوى إسلامية»، (250/4).

که حلقه باعث ادامه پیدا کردن محبت بین زن و شوهر می‌شود، و گفته می‌شود بعضی از آنها اسم همسر را بر روی حلقه شوهر و اسم شوهر را بر روی حلقه همسر می‌نویسند، گویا می‌خواهند علاقه ما بین آنها بیشتر شود و این یکی از انواع شرک است. زیرا آنها به امری اعتقاد پیدا کرده‌اند که خداوند آن را نه در تقدیر و نه در شریعت به عنوان یک وسیله قرار نداده است. پس چه رابطه‌ای بین این حلقه با دوستی و محبت وجود دارد؟.

چه بسیارند زوجهایی که حلقه دارند ولی در گرفتاری و نگرانی و سختی به سر می‌برند. پس حلقه به خاطر وجود این عقیده فاسد نوعی از شرک است و حتی بدون داشتن این عقیده، [این کار] تقلید از غیر مسلمانان است، به این دلیل که حلقه از نصاری گرفته شده است و بر این اساس بر مؤمن واجب است از هر چیزی که موجب ایجاد خلل دینش می‌شود پرهیز کند»[1].

2- کوتاه کردن و مرتب کردن موها به سبک موهای زنان غیرمسلمان

از جمله مسایلی که در بین ما [زنان] شایع شده است: کوتاه کردن مو می‌باشد، و علماء درباره آن نظر می‌دهند ولی همه آنها هم رأی هستند که کوتاه کردن مو به منظور تقلید [از کفار] حرام است.

از شیخ صالح فوزان ـ حفظه الله ـ درباره حکم کوتاه کردن مو براساس مدلهای برگرفته شده از غرب پرسیده شد، در جواب، ایشان ـ حفظه الله ـ چنین فتوا داده‌اند:

«اگر کوتاه کردن مو به دلیل تقلید از زنان کافر و فاسق باشد، شکی در حرام بودن آن نیست، هر چند که بین زنان مسلمان شیوع داشته باشد، بدین علت که اصل آن که تقلید کردن است، حرام می‌باشد و شایع بودن [این عمل] آن را مباح نمی‌سازد، زیر رسول الله ص می‌فرماید: «**من تشبه بقوم فهو منهم**»، «کسی که از گروهی تقلید کرد از جمله آنهاست» و فرموده‌اند ص «**ليس منّا مَن تشبّه بغيرنا**»، «کسی که از غیر از ما

1- قسمتی از فتوای شیخ : در کتاب «فتاوی اسلامیة»، (250/4).

[مسلمانان] تقلید کند از ما [مسلمانان] نیست». و قاعده کلی این است که هر رسمی که مخصوص کفار است، انجام دادن آن بخاطر تقلید از آنها جایز نیست، برای اینکه تقلید کردن از آنها در ظاهر، نشاندهنده وجود محبت [نسبت به آنها] در باطن می‌باشد. و خداوند می‌فرمایند: ﴿وَمَن يَتَوَلَّهُم مِّنكُمۡ فَإِنَّهُۥ مِنۡهُمۡۗ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلظَّٰلِمِينَ ٥١﴾. [المائدة: 51].

«هر کسی از شما با ایشان [کفار] طرح دوستی و پیمان با آنها بریزد، [و آنان را به سرپرستی بپذیرد] بیگمان او از زمره ایشان بشمار می‌رود و شک نیست که خداوند چنین افراد ستمگر را [به سوی ایمان] هدایت نمی‌کند» و پیروی کردن از آنها، [بخاطر] دوست داشتن آنها است، و از نشانه‌های دوست داشتن، تقلید کردن از آنها می‌باشد»[1].

شیخ صالح فوزان ـ حفظه الله ـ در فتوای دیگری به تفصیل گفته‌اند: «برای زن جایز نیست که موهای پشت سرش را کوتاه کند و موهای دو طرف سر را بلند نگهدارد. زیرا این کار باعث بد ترکیب شدن می‌شود و کار بیهوده‌ای است. زیرا که مو بخشی از زیبایی زن می‌باشد، و الگو گرفتن از زنان کفار است. همچنین کوتاه کردن مو براساس مدل‌های مختلفی که به اسم زنان کافر و یا حیوانات می‌باشد جایز نیست، مثل مدل موی (دیانا) که اسم یک زن کافر است، و مدل موی (شیری) یا (موشی). تقلید از زنان کافر و حیوانات [در مدل مو] به این خاطر حرام است که کار بیهوده‌ای است نسبت به موی زن که بخشی از زیبایی او محسوب می‌شود»[2].

3- استفاده از کلاه گیس

از جمله مواردی که استفاده از آن برای تزیین موی زنان ممنوع می‌باشد، استفاده از کلاه گیس می‌باشد. و آن عبارت است از موی مصنوعی که بعضی از خانمها از آن

1- قمستی از فتوای شیخ فوزان ـ حفظه الله ـ در کتاب «فتاوى المرأة المسلمة»، (516/2).

2- فتوای شیخ فوزان ـ حفظه الله ـ در کتاب «فتاوى المرأة المسلمة»، (517/2).

استفاده می‌کنند و مدلها و رنگهای مختلفی دارد و کسی که آن را می‌بیند گمان می‌کند که موی طبیعی است. نظر به اینکه این مورد نیز در دایره تقلید از زنان غیر مسلمان قرار می‌گیرد، و حتی با چشم پوشی از انگیزه آن و اگر چه این کار به منظور آراستن خود برای همسر باشد، باز هم این کار حرام است. همانطور که در فتوای هیئت عالی افتاء نقل شده است:

سوال: حکم استفاده زن از کلاه گیس به منظور آراستن خود برای همسرش چیست؟

جواب: هر کدام از زوجین بهتر است که خودشان را به وسیله چیزی که، هر دو نفر آنها دوست دارند و علاقه بین آنها را بیشتر می‌کند، خود را زیبا کنند. ولی این کار باید در حدودی که شریعت اسلام آنرا مباح می‌داند، باشد نه آنچه که حرام است. استفاده از کلاه گیس بین زنان غیر مسلمان رواج پیدا کرده است و آنها در استفاده کردن از آن و خودآرایی با آن شهرت دارند. تا حدی که جزیی از ظاهر و قیافه آنها شده است، پس استفاده کردن از آن برای زن مسلمان و آراستن خود با آن، اگر چه برای همسرش باشد، باز هم تقلید از زنان کافر می‌باشد، و پیامبرص آنرا ممنوع کرده است و فرموده‌اند: «**من تشبه بقوم فهو منهم**»، «کسی که از گروهی تقلید کرد از جمله آنهاست» و این دستور درباره کاشتن مو، شدت بیشتری پیدا می‌کند، که پیامبرص آنرا ممنوع کرده و کسی که آن کار را می‌کند، لعنت کرده است»[1].

4- رنگ کردن و مش کردن مو

از جمله مواردی که در جامعه زنان رواج پیدا کرده است رنگ کردن مو به مدلها و رنگهای مختلف است.

1- «فتاوی الحجاب واللباس والزینة للمرأة المسلمة»، ص 68.

موردی که در این زمینه مشروع است، رنگ کردن موی سفید با رنگی بجز رنگ سیاه می‌باشد، طبق این فرموده پیامبرص: «**غیّروا الشیب ولا تشبهوا بالیهود والنصاری**»[1].

«[رنگ] موی سفید را تغییر دهید و [در این کار] از یهودیان و نصاری تقلید نکنید».
و فرموده‌اند: «**غیّروا الشیب ولا تقربوه السواد**»[2].

«[رنگ] موی سفید را تغییر دهید و آنرا سیاه نکنید».

حکم شرعی حالتهای رنگ کردن مو برای آراستن را دکتر شیخ صالح فوزان ـ حفظه الله ـ در فتوای زیر بیان کرده‌اند:

سوال: حکم رنگ کردن تمام مو با یکی از رنگهای (قرمز، زرد، سفید، طلایی) چیست؟ و حکم مش کردن مو چیست؟.

(مش کردن مدلی است که از غرب وارد شده و زنانمان آنرا پذیرفته‌اند که عبارت است از رنگ کردن دسته‌های پراکنده مو، با رنگی که مخالف رنگ [اصلی] مو می‌باشد، مانند: سفید یا قرمز یا طلایی. در نتیجه مو رنگارنگ می‌شود، قسمتی از آن رنگ طبیعی دارد و قسمتی دیگر رنگ مصنوعی دارد).

جواب: رنگ کردن موی سفید مستحب است مگر با رنگ سیاه، مثلاً با حناء و وسمه و .... ولی سیاه کردن موی سفید جایز نیست، بنا به فرموده پیامبرص: «**غیّروا هذا الشیب وجنبوه السواد**»، «[رنگ] موی سفید را تغییر دهید و آنرا سیاه نکنید». این حکم برای زن و مرد مشترک است.

اما در مورد موهایی که سفید نیستند، پس به همان شکل و وضعیت اصلی و طبیعی خودشان باقی می‌مانند و تغییر داده نمی‌شوند، ولی اگر بد رنگ باشند، برای بدست آوردن رنگ مناسب، با رنگ کردن، این زشتی مو را از بین می‌برند. اما موی طبیعی که، رنگ آن زشت نیست، آن را به حالت طبیعی خود باقی می‌گذارند. زیرا دلیلی برای رنگ

1- أحمد و آلبانی آنر صحیح شمرده است.

2- أحمد و آلبانی آنرا صحیح شمرده است.

کردن آنها وجود ندارد. اگر رنگ کردن مو به روشی باشد که تقلید از زنان کافر و مدهای وارداتی شمرده شود، شکی در حرام بودن آن نیست و فرقی ندارد که کل موها یک رنگ زده شده باشند یا رنگارنگ باشند، (که همان مش کردن است)[1].

5- بلند کردن ناخن و لاک زدن

بلند کردن ناخن دستها و آغشتن آنها به رنگهای جرم‌دار که لاک نام دارد در بین بسیاری از زنان رواج پیدا کرده است. بعضی از علما به عدم مشروعیت این کار فتوی داده‌اند. نمونه‌هایی از این فتواها چنین است:

سوال: کوتاه نکردن ناخنها بیشتر از چهل روز چه حکمی دارد؟.

جواب: اگر کسی که این کار را انجام داده به علت پیروی از کفار ـ که فطرت آنها از راه درست منحرف شده است ـ اقدام به این کار نماید، این کار حرام است، زیرا پیامبرص فرموده‌اند: «**من تشبه بقوم فهو منهم**»، «کسی که از گروهی تقلید نماید از جمله آنهاست».

اما اگر کسی که ناخنهایش را بیش از چهل روز نگه داشته است دلیلی به جز پیروی از خواهش درونی نداشته باشد، این کار او مخالف با سرشت طبیعی و مخالف با آنچه که پیامبرص برای امتشان تعیین کرده‌اند می‌باشد[2].

سوال: حکم بلند گذاشتن و لاک زدن به ناخن چیست؟ با این آگاهی که قبل از لاک زدن وضو می‌گیریم و بعد از بیست چهار ساعت آنرا پاک می‌کنم.

جواب: بلند گذاشتن ناخنها خلاف سنت است، و از پیامبرص نقل شده است که فرموده‌اند: «**الفطرة خمس: الختان، والاستحداد، وقص الشارب، ونتف الإبط وقلم**

1- کتاب «فتاوى المرأة المسلمة»، (520/2) با اندکی تصرف.

2- «الفتاوى الجامعة للمرأة المسلمة»، (911/3).

الأظافر»، «پنج مورد [جزیی از] فطرت هستند: ختنه کردن، و ازاله موی عورت، و کوتاه کردن سبیل، و کندن موهای زائد زیر بغل، و کوتاه کردن ناخنها».

به تاخیر انداختن این کارها بیشتر از چهل روز جایز نیست و از أنسس نقل شده است که گفته‌اند: «**وقَّت لنا رسول اللهص في قص الشارب وقلم الظفر ونتف الإبط وحلق العانة ألاَّ نترک شيئاً من ذلک أکثر من أربعين ليلةً**».

«پیامبرص درباره کوتاه کردن سبیل و گرفتن ناخن و کندن موهای زاید زیر بغل و ازاله موی عانه، برای ما تعیین کردند که هیچکدام از آنها را بیشتر از چهل شب به تاخیر نیندازیم»، زیرا بلند گذاشتن آنها شبیه شدن به حیوانات و بعضی از کافران می‌باشد.

أما «لاک زدن به ناخن»، ترک کردن این کار بهتر است، و هنگام وضو گرفتن باید آنرا پاک کرد، زیرا مانع رسیدن آب به ناخن می‌شود[1].

ب) نمونه‌های تقلید زنان از مردان

1- پوشیدن لباسهای مردانه

از جمله کارهایی که برای زنان حرام است: پوشیدن هر لباسی که شکل آن مانند لباسهای مردانه مثل پیراهن، باشد.

از دکتر شیخ صالح فوزان ـ حفظه الله ـ درباره حکم پوشیدن لباسهای زنانه‌ای که شبیه لباسهای مردانه است، برای زنان پرسیده شد؟.

ایشان ـ حفظه الله ـ در جواب گفتند:

نباید لباس زنانه شبیه لباس مردانه باشد، و پیامبرص زنانی را که از مردان تقلید می‌کنند، و قیافه و ظاهر مردانه به خود می‌گیرند، لعنت کرده‌اند. تقلید کردن زن از مرد در

1- «فتاوى المرأة المسلمة»، (242/1).

لباس این است که زن لباسهایی را که در عرف هر جامعه از نظر نوع و توصیفات آن به مردان اختصاص دارد، بپوشد[1].

2- پوشیدن شلوار

از مصیبتهایی که در سالهای اخیر به آن دچار شده‌ایم، شیوع پوشیدن شلوار در بین گروههای متوسط زنان جامعه است. این نوع لباس با شخصیت زن مسلمان بیگانه است و باعث ترک حیایی که راز زیبایی زن می‌باشد، می‌گردد!.

علما درباره حکم پوشیدن شلوار فتواهای بسیاری داده‌اند، برای مثال:

سوال: آیا جایز است که زنان مانند مردان، شلوار بپوشند؟.

جواب: زن نباید لباسهای تنگ بپوشد، برای اینکه بدنش را مشخص می‌کند. و این کار فتنه برانگیز است و شلوارها غالباً تنگ هستند و اعضاء بدن را که پوشانده‌اند، نمایان می‌سازند، همچنین شلوار پوشیدن زنان، تقلید آنها از مردان است و پیامبرص زنانی که خود را شبیه مردان می‌کنند، لعنت کرده‌اند[2].

سوال: مد جدیدی که بعد از شیوع آن در غرب، هم اکنون در بین زنان [مسلمان] رواج پیدا کرده است، پوشیدن شلوارهای تنگ می‌باشد که با استقبال زیادی از طرف آنها روبرو شده است، حکم این مساله چیست؟.

جواب: برای زن پوشیدن چیزی که تقلید از مردان و یا تقلید از زنان کافر می‌باشد و همچنین پوشیدن لباسهای تنگی که اعضای بدن او را نشان می‌دهد و باعث جلب توجه می‌شود، جایز نیست. و در نتیجه شلوار که تمام این ممنوعیتها را به همراه دارد، پوشیدن آن برای او جایز نیست[3].

1- کتاب «الفتاوی الجامعة للمرأة المسلمة»، (848/3).

2- «فتاوی المرأة المسلمة»، (850/3).

3- فتوای شیخ صالح فوزان در کتاب «فتاوی المرأة المسلمة»، (438/1).

و در فتوای علامه شیخ محمد بن صالح بن عثیمین : درباره این موضوع، مساله‌ای را توضیح داده‌اند که بسیاری از زنان نسبت به آن بی‌اطلاع هستند، و گفته‌اند: و حتی اگر شلوار گشاد باشد، باز هم به دلیل اینکه تشخیص دادن هر کدام از پاها از یکدیگر دارای وجهی از پوشیده نبودن است، [پوشیدن آن جایز نیست] و دیگر اینکه این ترس وجود دارد که [پوشیدن شلوار گشاد] تقلید زنان از مردان باشد، به این دلیل که شلوار از لباسهای مردانه است[1].

آیا بعد از این مجالی برای تفکر باقی می‌ماند! پس هنگامی که پوشیدن شلوار به هر صورتی که باشد، و حتی اگر شلوار گشاد باشد، جایز نیست، و دیگر چه اصراری بر پوشیدن آن است؟ و چرا از ترک آن شانه خالی می‌کنیم؟ و کسی که آن را می‌پوشد، جز گناهان پی در پی چه چیزی به دست می‌آورد؟ مثل گناه پوشیدن شلوار، و گناه چشمهای که به آن نگاه می‌کنند، و گناه هر زن مسلمانی که در پوشیدن لباس از آن تقلید می‌کند!

نمونه‌های تقلید زنان از مردان در خودآرایی

اولاً: کوتاه کردن مو مانند مردان

در میان جریانهای وارداتی از سوی غیر مسلمانان، با تاسف بسیار، ملاحظه می‌شود که بعضی از دختران جوان اقدام به کوتاه کردن موهایشان به سبک موهای مردان می‌کنند که به اسم «اصلاح مردانه» مشهور است.

این نوع کوتاه کردن مو حرام است، برای اینکه تقلید از مردان است و در فتوای علامه شیخ محمد بن صالح بن عثیمین : که در پایین ذکر شده آمده است:

سوال: حکم کوتاه کردن مو برای زنان چیست؟.

جواب: اگر کوتاه کردن موی سر تا حدی باشد که مانند موی سر مردان بشود، این کار، حرام و از جمله گناهان کبیره است، به این دلیل که پیامبرص زنانی که خود را شبیه

1- به تفصیل فتوی در کتاب «الفتاوی الجامعة للمرأة المسلمة»، (852/3) مراجعه شود.

مردان می‌کنند، لعنت کرده‌اند. ولی اگر کوتاه کردن موی سر به این حد نرسد، در مورد آن بین علما اختلاف نظر وجود دارد، و قول مشهور عقیده امام احمد است که این کار را مکروه دانسته است، و کوتاه کردن موی سر را برای زن، چه از جلو سر و چه از قسمت پشت سر، مکروه دانسته است، و زمانی که [این کوتاه کردن مو] به حدی برسد که شبیه موی سر مردان شود، و همچنین اگر زن موی سرش را مانند موی سر زنان کافر کوتاه کند، حرام می‌باشد. زیرا پیامبرص فرموده است: «**من تشبه بقوم فهو منهم**»، «کسی که از گروهی تقلید کرد از جمله آنهاست»[1]. و دیده شده است، زنی که لباس مردانه می‌پوشد و موهایش را مثل موی آنها کوتاه می‌کند، در صحبت کردن و راه رفتن و دیگر حرکاتش، عمدی یا غیر عمدی مانند مردها عمل می‌کند! و منشأ اخلاقهای منحرفی که، امروزه از بعضی از دختران سر می‌زند، این امور هستند.

پس خواهر مسلمانم از این مسایل که مورد لعن و نفرین هستند و باعث دوری از رحمت خداوند ـ عزوجل ـ می‌شوند، پرهیز کن.

رابعاً: پرهیز از محرمات

یکی از مهمترین مواردی که درباره لباس و آرایش در نظر گرفته شود، اجتناب از هر چیزی است که دین حنیف اسلام آنرا در مورد لباس و آرایش حرام کرده است، می‌باشد. که این امور دو دسته هستند.

الف: مواردی که پوشیدن آنها حرام است:

زن مسلمان باید بسیار دقت کند تا از هر آنچه که خداوند در زمینه لباس و زینت حرام نموده‌اند، فاصله بگیرد، برای مثال:

1- پوشیدن لباسی که تصویر جانداری بر روی آن کشیده شده است:

1- کتاب «فتاوی المرأة المسلمة»، (513/2).

منظور از جانداران، انسانها و حیوانات می‌باشند. و این کار از اعمال ممنوعه‌ای است که بسیاری از زنان مسلمان آنرا دست کم گرفته‌اند، تا حدی که در جامعه شیوع پیدا کرده است، برای دست کشیدن از این کار فقط فرموده رسول اللهص کافی است که فرمودند: «**لا تدخل الملائكة بيتاً فيه كلب ولا صورة**»[1].

«فرشتگان به خانه‌ای که در آن سگ و تصویر باشد وارد نمی‌شوند».

حکم عکس شامل هر چیزی است که به صورت مجسمه یا غیر آن باشد، همان طور که شیخ محمد بن صالح بن عثیمین: در فتوای زیر به آن اشاره کرده است:

«کسی که این قول به ما بسته که ما گفته‌ایم: حرام بودن تصویر فقط شامل مجسمه می‌شود، و چیزهای دیگر حرام نیستند، به ما دروغ بسته است، و ما می‌بینیم که پوشیدن لباسی که بر روی آن تصویر است، حرام می‌باشد، حال چه لباس بچه‌ها باشد و چه لباس بزرگسالان، و عکس گرفتن برای یادگاری و دلایل دیگر جایز نیست، مگر برای کارهای ضروری که به عکس نیاز دارند، مثل گرفتن شناسنامه و گواهینامه»[2].

موردی که موظفیم به آن اشاره کنیم این است که بسیاری از لباسهای کودکان ـ و اگر نگوییم همه آنها ـ دارای تصاویر جانداران هستند، تا جایی که مادران هنگام خرید لباس برای کودکانشان از کثرت لباسهایی با نقش تصاویر جانداران در بازار سرگردان می‌شوند. شاید دلیلی که بازرگانان را به توزیع چنین کالاهایی تشویق می‌کند، استقبال گسترده‌ای است که از طرف زنان با آن روبرو هستند! پس اگر هر زن مسلمانی از خرید لباسهایی که تصاویر جانداران بر روی آنها وجود دارد، چه برای خودش و چه برای فرزندانش باشد، چشم پوشی کند، آیا در این صورت از تجار انتظار استمرار توزیع چنین لباسهای حرامی می‌رود؟.

1- متفق علیه.

2- کتاب «الفتاوی الجامعة للمرأة المسلمة»، (859/3)، با اختصار.

2- لباسهایی که بدن را نمی‌پوشانند

یکی از بزرگترین مصیبتهایی که امت اسلامی به آن دچار شده است: سهل انگاری بسیاری از زنان و دختران مسلمان در پوشیدن لباسهایی مانند لباس‌های نازک می‌باشد. که بدن را نمی‌پوشانند و حجم و رنگ بدن را ظاهر می‌کند، و یا به خاطر کوتاه بودن، یا باز بودن این لباسها، باعث می‌شود که بعضی از اجزاء بدن نمایان شود، و یا تنگی آنها حجم بدن را نمایان می‌سازد.

با نظری گذرا به فروشگاه‌های لباس زنانه حجم مصیبتی را که امت، امروزه به خاطر غریب بودن دین، بدان دچار آن شده‌اند برای ما مشخص می‌شود.

به خدا قسم که اشک در چشمان هر مسلمان با غیرتی خشک می‌شود و به زبان حال می‌گوید: آیا این لباس شرم‌آور شایسته جگر گوشه‌های حضرت عایشه و حضرت فاطمهم است؟ [در این میان] چیزی که قلب را به درد می‌آورد و جریحه‌دار می‌کند، شدت استقبال بسیاری از زنان مسلمان از این لباسهای زشت می‌باشد، و اینکه آنها در مقابل محارمشان و زنان دیگر به پوشیدن این لباسها افتخار می‌کنند! لباسهای بلندی که تا قسمت ران چاک دارند، و لباسهای کوتاهی که تا زانوی پا را نشان می‌دهند، و لباسهای نازکی که همه اعضای بدن زیر آنها دیده می‌شود، و لباسهای تنگی که حجم عضوهای بدن را نشان می‌دهند، مثل اینکه هیچ لباسی نپوشیده باشند! و لباسهای شرم‌آوری که سینه و پشت و دستها و رانها را نشان می‌دهند! و حتی لباسهایی که شکم را نشان می‌دهد! پس بعد از این چه چیزی باقی مانده که باید از چشمها پنهان بماند؟!.

خواهر مهربانم ای گوهر گرانبها ... همیشه در نظر داشته باش که تو از طرف دشمنان اسلام، به وسیله این لباسهای ـ برهنه یا نیم برهنه ـ مورد هدف قرار گرفته‌ای تا تو را ریشه کن کنند، و از صدف امنت خارج کنند: ﴿حَسَدًا مِّنۡ عِندِ أَنفُسِهِم﴾. [البقرة: 109].

«از روی اشک و حسدی که در وجودشان ریشه دوانده است» پس به آنها بر علیه خودت کمک نکن. و این حدیث پیامبرص از تو پنهان نماند که فرموده‌اند: «**صنفان من**

أهل النار لم أرهما: قوم معهم سياط كأذناب البقر يضربون بها الناس، ونساء كاسيات عاريات مميلات مائلات رؤوسهن كأسنمة البخت المائلة لا يدخلن الجنة ولا يجدن ريحها وإنَّ ريحها ليوجد من مسيرة كذا وكذا»[1].

«دو گروه از اهل جهنم هستند که آنها را ندیده‌ام: گروهی که شلاقهایی مانند دم گاو به همراه دارند و با آنها مردم را می‌زنند، و زنانی که پوشیده‌اند و [در عین حال] برهنه‌اند و زنانی که به طرف مردها تمایل پیدا می‌کنند، و مردها را به طرف خود جذب می‌کنند [موی] سر آنها مانند کوهان شتر، خمیده است، [این دو گروه] هرگز وارد بهشت نمی‌شوند و بوی آن را هرگز احساس نمی‌کنند در حالی که بوی بهشت از فاصله بسیار دور قابل استشهام می‌باشد».

علامه شیخ محمد بن صالح بن عثیمین:: گفته‌اند: علماء می‌گویند که معنی این جمله که (پوشیده‌اند و برهنه‌اند) این است که این زنها لباسهای تنگ، نازک و یا کوتاه می‌پوشند.

از جمله اعمال زنان صحابه ـ رضی الله عنهن ـ این بوده است که آنها لباسهایی که [بلندیشان] تا قوزک پا می‌رسیده و آستینهای آنها تا مچ دست می‌رسیده می‌پوشیده‌اند، علاوه بر این هنگام رفتن به بازار، لباس بلندتر دیگری زیر آن می‌پوشیده‌اند که کف دست را می‌پوشانده است و یا اینکه دستکش به دست می‌کرده‌اند. پس استفاده از دستکش یکی از روشهای زنان صحابه ـ رضی الله عنهن ـ بوده است، با استناد به فرموده پیامبرص که زن هنگام احرام بستن، نباید دستکش به دست کند، معلوم می‌شود که اگر استفاده از دستکش در آن زمان متداول نبود، نیازی به نهی کردن از آن در حالت احرام، وجود نداشت»[2].

1- مسلم.

2- قسمتی از فتوای شیخ در کتاب «الفتاوى الجامعة للمرأة المسلمة»، (855/3).

اما چیزی که در بین بعضی از طبقات متوسط زنان شایع شده این است که حد پوشش [یا همان عورت] زنان، هنگامی که در میان زنان هستند، به تقلید از حد عورت مردان در میان خودشان، همان حد ناف تا زانو می‌باشد که این گفته هیچ دلیل و اعتباری ندارد.

در فتوای شیخ محمد بن صالح بن عثیمین: چنین آمده است که:

سوال: حد پوشش [عورت] زن آزاد، برای دایی‌ها و عموها و برادرها در خانه به چه اندازه‌ای می‌باشد؟.

جواب: زن برای محارم خود می‌تواند صورت و سر و گردن و ساعد و ساق پای خود را آشکار کند و قسمتهای دیگر را بپوشاند[۱].

و در فتوای زیر از دکتر شیخ صالح الفوزان ـ حفظه الله ـ توضیحات بیشتری ارائه شده است.

سوال: بسیاری از زنان فکر می‌کنند که حد پوشش زن در میان زنان از ناف تا زانو می‌باشد، پس بعضی از آنها در پوشیدن لباسهای بسیار تنگ و یا لباسهای بازی که قسمتهای زیادی از سینه و دستهای آنها را نشان می‌دهد، تردیدی نمی‌کنند، توضیح شما در این باره چیست؟.

جواب: آنچه که از زنان مسلمان خواسته می‌شود، فروتنی و حیاست و اینکه الگوی خوبی برای خواهران مسلمانشان باشند. در میان جمع زنان آن مقدار از اعضاء خود را آشکار کنند که عادت زنان مسلمان پایبند [به دین] می‌باشد و این کار خیلی بهتر است، برای اینکه سهل انگاری در آشکار کردن قسمتهایی که دلیلی برای آشکار کردن آنها وجود ندارد، باعث سهل انگاری بیشتری می‌شود، و به بی‌حجابی ـ که حرام است ـ منجر می‌گردد. و الله اعلم[۲].

1- کتاب «فتاوی الحجاب واللباس والزينة للمرأة المسلمة»، ص 22.

2- کتاب «الفتاوى الجامعة للمرأة المسلمة»، (1041/3).

لباسهای تنگ و کوتاه دختران خردسال نیز به این مورد، ملحق می‌شوند.

در فتوای علامه شیخ محمد بن صالح بن عثیمین :: آمده است:

سوال: بعضی از زنان که خداوند آنها را هدایت کند، بر تن دختران خردسالشان لباسهای کوتاهی می‌پوشند که ساق پای آنها را آشکار می‌کند، و هنگامی که این مادران را نصیحت می‌کنیم، می‌گویند: ما نیز قبلاً این نوع لباسها را می‌پوشیده‌ایم و بعد از اینکه بزرگ شدیم ضرری برای ما نداشته است. نظر شما در این باره چیست؟.

جواب: «نظر من این است که بهتر است انسان چنین لباسهایی که کوتاه هستند به دخترانشان نپوشانند، برای اینکه اگر به آن عادت کنند، این کار را ادامه می‌دهند و برای آنها عادی می‌شود، اما اگر از کودکی به داشتن حیا، عادت داده شوند، این حالت تا بزرگسالی در آنها باقی می‌ماند. امری که خواهران مسلمانم را به آن توصیه می‌کنم این است که از پوشیدن لباسهای خارجی‌ها که دشمنان دین هستند، خودداری کنند و دخترانشان را به بر تن کردن لباسهایی عادت بدهند که بدن را می‌پوشاند و آنها را با حیا تربیت کنند، زیرا حیا جزیی از ایمان است»[1].

3- لباسهایی که دارای نوشته‌های خارجی و یا تصویرهای حرام هستند

امروزه در بازارها، لباسهایی که دارای تصاویر و شکلهایی مثل صلیب و یا جمله‌هایی که به زبانهای بیگانه نوشته شده است و در بر دارنده معانی فاسد اعتقادی و اخلاقی هستند، و با دین ما در تعارض‌اند، به طور چشم‌گیری پخش شده است.

از شیخ محمد بن صالح بن عثیمین :: پرسیده شده است که:

سوال: پوشیدن لباسهایی که جملات انگلیسی بر روی آنها نوشته شده و این کلمات شاید معانی بدی داشته باشند، حکم آنها چیست؟ و آیا این کار حکم تقلید را دارد؟.

1- کتاب «الفتاوی الجامعة للمرأة المسلمة»، (856/3)، با کمی تصرف.

جواب: در ابتدا باید جملات و یا حروفی که به زبانی، غیر از زبان مادری نوشته، معانی آنها را سوال کنیم زیرا ممکن است معانی بد و غیر اخلاقی داشته باشند، لباسهایی که بر روی آنها جملات انگلیسی و یا جملاتی که به هر زبانی به جز زبان مادری نوشته شده است، پوشیدن آنها جایز نیست مگر اینکه شخص از بی‌غرضی این جملات مطمئن شود، و اینکه به شرافت انسان خللی وارد نمی‌کند، و برای تکریم کافران نیست. زیرا که، این نوشته‌ها گاهی برای تجلیل از کفاری مثل بازیکنان فوتبال، بازیگران، مخترعان و ... استفاده می‌شود. پس اگر بر روی لباسها چنین مواردی وجود داشت، پوشیدن آنها حرام است. به همین دلیل قبل از پوشیدن چنین لباسهایی باید معنای کلمات نوشته شده بر روی آنها را پرسید»[1].

پس خواهر مسلمانم، قبل از خریدن لباسهایی که کلمات بیگانه بر روی آنها نوشته شده است، دقت کن تا معنای آنها را متوجه شوی، تا با این کار برای دشمنان اسلام، در گمراه کردن و خدشه وارد کردن به شرافتمان، فرصتی به وجود نیاوریم.

دوم: مواردی که خودآرایی به وسیله آنها حرام است

از جمله مسایل اجتناب‌ناپذیر برای زن مسلمان، در مورد دقت کردن او در آرایش و زیبایی‌اش، این است که در پی چیزهای حلال باشد و از هر آرایش حرامی خودداری کند. برای مثال:

1- برداشتن ابرو

ابرو برداشتن از کارهای حرامی است که در بین زنان و دختران به طور چشم‌گیری رواج پیدا کرده است .... و از جمله گناهان کبیره می‌باشد، بنابر قول کلی عبدالله بن مسعودس که گفته است: زنانی که بر روی بدن دیگران خالکوبی می‌کنند و زنانی که

1- کتاب «الفتاوى الجامعة للمرأة المسلمة»، (857/3).

خالکوبی بر روی آنها انجام می‌شود و زنانی که ابرو برمی‌دارند و زنانی که برای زیبایی بین دندانهای خود فاصله ایجاد می‌کنند و آفرینش خداوند تعالی را تغییر می‌دهند، خداوند بر آنها لعنت فرستاده و من چرا نباید کسانی را که پیامبرص بر آنها لعنت فرستاده‌اند، نفرین کنم و در قرآن آمده است که (وَمَآ ءَاتَىٰكُمُ ٱلرَّسُولُ فَخُذُوهُ). [الحشر: 7].

«اموری را که پیغمبر برای شما [از احکام الهی] آورده است اجرا کنید»[1].

حتی اگر برداشتن ابرو به منظور خودآرایی برای همسر باشد [ممنوع است].

همانطور که شیخ محمد بن صالح بن عثیمین :: فتوی داده‌اند، هنگامی که درباره حکم برداشتن ابرو مخصوصاً وقتی که ابروها پهن هستند و باعث ناراحت شدن شوهر می‌شوند، از ایشان پرسیده شد که: آیا این کار به منظور آراستن خود برای شوهر درست است؟.

ایشان: جواب دادند که: برداشتن ابرو جایز نیست و رسول خداص کسی را که ابروی دیگران را بر می‌دارد و کسی که از دیگران می‌خواهد تا ابروی او را بردارند و یا خودش این کار را انجام می‌دهد، نفرین کرده‌اند، و این عمل حرام است و خداوند برای آنچه که مقدر کرده‌اند حکمتی دارند. پس بعضی از مردم ظاهر زیبایی دارند، و بعضی دیگر این چنین نیستند، و همه کارها به دست خداوند ـ عزوجل ـ صورت می‌گیرد و بر شخص واجب است که صبر کند، و أجر خود را از خداوند ـ عزوجل ـ بگیرد و به خاطر رسیدن به خواسته‌هایش به حرام نیفتد. نباید هیچ کس موی ابروی را بکند مگر زمانی که مو در قسمتهایی خارج از ابرو روییده باشد، مثل خالی که روی آن مو روییده است، پس می‌تواند این موها را از بین ببرد، که در این صورت از بین بردن یک نقص زشت می‌باشد، و خودآرایی نیست[2].

1- البخاری.

2- کتاب «الفتاوی منار الاسلام»، (382/3).

امروزه روشی در بین زنان رواج پیدا کرده است که «تاتو، tattoo» نامیده می‌شود و با آن به ابروها یک شکل دایمی می‌دهند و این کار بوسیله پخش کردن سرمه در زیر پوست با استفاده از سوزن به روش اتوماتیک صورت می‌گیرد که بیشتر از یکسال دوام دارد هزینه هنگفتی را در پی دارد.

این کار به دلیل تغییر دادن اصل خلقت و زیان استفاده از مواد شیمیایی برای ابرو حرام می‌باشد[1].

برداشتن ابرو، شامل کندن و کوتاه کردن ابرو نیز می‌شود، همانطور که در فتوای شیخ محمد به صالح بن عثیمین:: آمده است:

سوال: حکم کوتاه کردن و یا برداشتن بعضی از قسمتهای ابرو چیست؟

جواب: برداشتن ابرو از گناهان کبیره است، و پیامبرص کسی که ابروی دیگران را بر می‌دارد، و کسی که از دیگری می‌خواهد که ابروی او را بر دارند، نفرین کرده‌اند. و پیامبرص این کار را به زنان اختصاص داده‌اند، زیرا زنان هستند که از این عمل برای زیبایی استفاده می‌کنند، اگر مردی این کار را انجام دهد، این مرد نیز همانند زنان ملعون می‌باشد ـ والعیاذ بالله ـ و علما کوتاه کردن ابرو را همانند برداشتن ابرو، می‌دانند برای اینکه آفریده خداوند را تغییر می‌دهد، و برداشتن و کندن موی ابرو با کوتاه کردن آن تفاوتی ندارد. بی‌تردید بهتر است از انجام این کار خودداری شود، و فرد مسلمان اعم از زن و مرد باید از آن اجتناب نماید[2].

از جمله مواردی که به این موضوع مربوط می‌شود «رنگ کردن ابرو» می‌باشد وبه تازگی در بین زنان رواج پیدا کرده است، و بدین ترتیب که: زن شکل معینی را که برای ابروی خود در نظر گرفته است، مشخص می‌کند و سپس موهای زاید بالا و پایین ابرو را

1- به کتاب «ضوابط هامه فی زینة المرأة»، ص 34، مراجعه شود.

2- کتاب «فتاوی المرأة المسلمة»، (536/2).

به رنگ پوست خود در می‌آورد، به طوری که از فاصله دور شکل آن مانند ابرو برداشتن است. این عمل طبق فتوای هیئت عالی افتا، حرام می‌باشد: بعد از تحقیقاتی که کمیته برای فتوی دادن [درباره این موضوع] انجام داد، چنین جواب داد که: هم رنگ کردن بالا و پایین ابروها به روش ذکر شده ممنوع است، زیرا این عمل تغییر آفریده خداوند سبحان می‌باشد، و بدلیل مشابهت آن با برداشتن ابرو از نظر شرعی حرام است، و اگرچه این کار در معنی شبیه به ابرو برداشتن است، و اگر این کار تقلیدی از کفار باشد و یا استفاده از آن برای بدن و مو ضرر داشته باشد، حرمت آن بیشتر است. زیرا خداوند می‌فرماید: ﴿وَلَا تُلۡقُواْ بِأَيۡدِيكُمۡ إِلَى ٱلتَّهۡلُكَةِ﴾. [البقرة: 195].

«خود را با دست خویش به هلاکت نیفکنید». و پیامبرص فرموده است: «**لا ضرر ولا ضرار**»، «نه ضرر ببینید و نه ضرر برسانید». وبالله التوفيق[1].

مواردی که زیر مجموعه ابرو برداشتن که عملی حرام است، نمی‌شود عبارتند از: زایل کردن موهایی که در قسمتهای غیر معمول از بدن می‌رویند، مانند سبیل در آوردن در خانمها، و روییدن مو بر روی گونه‌ها که از بین بردن آنها به این دلیل که بر خلاف عادت‌اند و برای زن زشت می‌باشد، اشکالی ندارد[2].

خلاصه مطالب: دستکاری بیهوده ابرو اعم از برداشتن و کوتاه کردن آن حرام است. به این دلیل که سبب دور شدن از رحمت خداوندﻷ می‌شود.

پس خواهر عزیزم آیا ما از رحمت خداوندﻷ در دنیا و آخرت بی‌نیاز هستیم؟ در حالی که خداوند هیچ کس را بدون رحمت خودش وارد بهشت نمی‌کند، پس چگونه در مرتکب شدن به گناهانی که بین ما و رحمت خداوندﻷ فاصله می‌اندازند، سهل انگاری می‌کنیم؟.

1- به فتوای شیخ ابن عثیمین در کتاب «فتاوی المرأة المسلمة»، (536/2)، مراجعه شود.

2- فتوای هیئت عالی افتاء شماره (21778) در تاریخ 1421/12/29 هـ ق.

2- خالکوبی

بدین صورت است که پوست را با سوزن سوراخ می‌کنند تا اینکه از آن خون بیاید، سپس جای سوزن را با سرمه و یا رنگ نیلی و یا جوهر و یا چیزهای دیگر پر می‌کنند، در نتیجه محل خالکوبی شده سبز و یا آبی می‌شود. مردم در استفاده از خالکولی تنوع به خرج می‌دهند و بعضی از آنها بر روی دستشان قلب و یا اسم کسی را که دوستش دارند، می‌نویسند.و بعضی از زنان لبهای خود را برای همیشه به رنگ سبز در می‌آورند. خالکوبی با استناد به عباراتی که انجام دهنده این کار را نفرین کرده‌اند، حرام می‌باشد. زیرا استفاده از لعنت برای کارهای غیر حرام، کاربردی ندارد[1].

این مطلب از حدیث ابن مسعودس که در بخش ابرو برداشتن به آن اشاره کردیم، برداشت می‌شود.

دلایلی که به وسیله آنها خالکوبی حرام شده است عبارتند از: تغییر آفریده خداوند ـ تعالی ـ و همچنین باقی ماندن جای سوزن کوبی، و همچنین به درد آوردن عضو زنده، و اذیت شدن انسان، بدون دلیل که نیازی به آن وجود داشته باشد[2]. در جواب این سوال که حکم خالکوبی چیست و آیا دختر بچه‌ای که خالکوبی بر روی او انجام شده گناهی دارد؟ شیخ محمد بن صالح بن عثیمین:: گفته‌اند: خالکوبی حرام است و از جمله گناهان کبیره می‌باشد، به این دلیل که پیامبرص کسی که خالکوبی را بر روی دیگران انجام می‌دهد و کسی که از دیگران می‌خواهد تا بر روی او خالکوبی انجام دهند، نفرین کرده‌اند، پس زمانی که بر روی دختر خردسالی، خالکوبی انجام شود و این در حالی است که خودش نمی‌تواند مانع این کار شود، پس او هیچ گناهی ندارد، و کسی که این کار را با او کرده است گناهکار می‌باشد. زیرا خداوند از هر شخصی به اندازه توانایی‌اش

1- کتاب «ضوابط هامة فی زینة المرأة»، ص 36.

2- منبع سابق ص 36.

انتظار دارد و او را مؤاخذه می‌نماید. این دختر خردسال نمی‌تواند از این کار جلوگیری کند ولی کسی که این کار را با او انجام داده گناهکار است، و این شخص باید خالکوبی را در صورتی که به او آسیبی نرسد، پاک کند[1].

3- فاصله انداختن بین دندانها

امام شوکانی: گفته‌اند: فاصله انداختن بین دندانها معمولاً برای ایجاد فاصله بین دندانهای جلو با بقیه دندانها انجام می‌شود، زنان کهنسال برای جوانتر جلوه دادن خود اقدام به این کار می‌کنند. به این دلیل که این فاصله کم بین دندانها مخصوص دختران کم سن و سال می‌باشد، و زن زمانی که پیر شد و سنش بالا رفت از این کار برای خوش سیما شدن خود و اینکه خود را در نظر دیگران کم سن و سال جلوه دهد، استفاده می‌کند. با توجه به حدیث ابن مسعودس که قبلاً ذکر شد، این عمل حرام است. دلیل حرام بودن این کار، استفاده از آن به منظور خودآرایی می‌باشد. اما اگر این کار به منظور درمان انجام شود مشکلی ندارد. چنانکه در فتوای دکتر شیخ صالح فوزان ـ حفظه الله ـ ذکر شده است: برای زن مسلمان فاصله انداختن بین دندانها به منظور ایجاد زیبایی حرام می‌باشد، که این کار با تراشیدن دندان و ایجاد فاصله‌های کم به منظور زیباتر شدن استفاده می‌شود، ولی اگر دندانها نامنظم‌اند و به مرتب شدن نیاز داشته باشند و یا اینکه دچار کرم خوردگی شده‌اند و نیاز به ترمیم دارند، این کار مشکلی ندارد، برای اینکه این عمل با هدف درمان و از بین بردن مشکل دندانها توسط پزشک متخصص انجام می‌شود[2].

حکم تراشیدن دندان، شامل ارتودنسی کردن دندان که به تازگی در بین مردم رواج پیدا کرده نمی‌شود. از دکتر شیخ صالح فوزان ـ حفظه الله ـ سوال شد که آیا ارتودنسی کردن دندانهایی که نامرتب هستند جایز است؟.

1- کتاب «فتاوی منار الإسلام»، (830/3).

2- کتاب «الفتاوی الجامعة للمرأة المسلمة»، (868/3).

ایشان در جواب گفته‌اند: زمانی که دندانها نامرتب‌اند و نیاز به برطرف کردن این مشکل دیده می‌شود، اشکالی ندارد، ولی هنگامی که به این کار نیازی نیست. انجام دادن آن ممنوع می‌باشد، و بلکه از تراشیدن دندان و فاصله انداختن بین آنها نهی شده است، و این کار به علت بیهوده بودن آن، و ایجاد تغییر در آفریده خداوند ممنوع است، ولی شخص برای برطرف کردن مشکل دندانها و همچنین برای زمانی که بدون مرتب کردن دندانها نمی‌تواند غذا بخورد، می‌تواند از این عمل استفاده کند[1].

4- استفاده از طلایی که به شکل مجسمه حیوانات در آمده است

این کار از جمله مسایلی است که بعضی از زنان نسبت به آن سهل‌انگاری می‌کنند. در فتوای شیخ محمد بن صالح بن عثیمین:: آمده است:

سوال: حکم خرید و فروش قطعه طلایی که بر روی آن تصویری حک شده است و یا به شکلهای مختلفی مانند پروانه و یا سر مار و چیزهای دیگر درآمده است، چیست؟

جواب: خرید و فروش و استفاده از زیور آلاتی مانند طلا و نقره که به شکل حیوانات درآمده است، حرام است، زیرا شکستن و نابود کردن مجسمه‌ها بر هر مسلمانی واجب است، در صحیح مسلم از ابوالهیاج نقل شده است که حضرت علیس به او گفت: «آیا تو را به انجام کاری که پیامبرص من را نیز مامور انجام دادن آن کرده است، راهنمایی کنم؟ اینکه هر مجسمه‌ای را که دیدی آنرا بشکن و هر قبری که بالاتر از سطح زمین بود آنرا با زمین هم سطح کن». و از پیامبرص نقل شده است: «**إنَّ الملائكة لا تدخل بيتاً فيه صورة**»، «فرشتگان وارد خانه‌ای که در آن عکس و مجسمه باشد، نمی‌شوند». بنابراین مسلمانان از خرید و فروش و استفاده از چنین زیورآلاتی باید اجتناب کنند[2].

1- منبع سابق (869/3).

2- کتاب «فتاوى إسلامية»، (360/2).

5- استفاده از طلایی که آیات قرآن بر روی آن حک شده است

گروهی از زنان طلاهایی می‌خرند که بعضی از آیات قرآن بر روی آنها حک شده است و برای خود و یا فرزندانشان از آن استفاده می‌کنند.

و در فتوای شیخ عبدالله بن حمید: آمده است که:

سوال: حکم نوشتن آیه الکرسی و کلمه الله و محمدص بر روی طلایی که زنان و کودکان از آن استفاده می‌کنند، چیست؟ آیا بردن آن به داخل دستشویی جایز است؟.

جواب: این کار اشتباه است، قرآن برای کارهای بیهوده‌ای مثل حک شدن بر روی طلا و ظرف و موارد دیگر نازل نشده است، بلکه خداوند قرآن را برای شفای بیماریهای معنوی و هدایت مردم و نصیحت مومنان نازل کرده‌اند. قرآن را برای نوشته شدن بر روی زیور آلات و لباسها نازل نشده است تا آن را به داخل دستشویی‌ها ببرند، در نتیجه این کار حرام است، و نباید صورت بگیرد. قرآن بسیار بزرگتر و منزه‌تر از آن است که برای این کارهای پست استفاده شود، بلکه خداوند قرآن را برای هدایت بشری، نازل نموده‌اند. خداوند تعالی می‌فرماید: (وَنُنَزِّلُ مِنَ ٱلۡقُرۡءَانِ مَا هُوَ شِفَآءٞ وَرَحۡمَةٞ لِّلۡمُؤۡمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ ٱلظَّٰلِمِينَ إِلَّا خَسَارٗا ﴿٨٢﴾). [الإسراء: 82].

«و ما آیاتی از قرآن را فرو می‌فرستیم که مایه بهبودی [دلها از بیماریهای نادانی و گمراهی و پاکسازی درونها از کثافت هوس و آزمندی و تباهی] و رحمت مومنان به سبب در برداشتن ایمان و رهنمودهای پر خیر و برکت یزدان] است ولی بر ستمگران [کافر، به سبب ستیز نور حق و داشتن روح طغیان] جز زیان نمی‌افزاید». پس استفاده از قرآن به این شیوه حرام می‌باشد، و باید نوشته‌های قرآن را از روی طلا و چیزهای دیگر پاک کرد. زیرا باعث بی‌حرمتی به قرآن می‌شود، و وارد شدن با قرآن به داخل دستشویی

و حمام، به هر شکلی حرام است. بلکه چنانکه علما گفته‌اند به خاطر احترام و تعظیم مقام قرآن باید از این کارها جلوگیری کرد، والله اعلم[1].

ولی اگر منظور زن از نوشتن قرآن جلوگیری از چشم زخم و حسد نسبت به خود و فرزندانش باشد ـ که در اکثر موارد این چنین است ـ دچار لغزش اعتقادی خطرناکی شده است. زیرا این کار حکم تعویذ نوشتن را پیدا می‌کند که پیامبرص درباره آن فرموده‌اند: «**من علَّق تميمة فقد أشرك**»[2].

«کسی که از تعویذ استفاده و آن را آویزان کند، شرک ورزیده است».

و در فتوای هیئت عالی افتاء چنین ذکر شده است: «استفاده از قرآن برای نوشتن تعویذ به گفته تمام علما حرام می‌باشد»[3].

بهترین راه برای محفوظ نگه داشتن کودکان از چشم زخم، گفتن تسبیحات روزانه و اوراد نقل شده [از پیامبرص] و خواندن سوره‌های ناس و فلق است، که بر کودکان خوانده شود و این چیزی است که به اذن خداوند به کودکان نفع می‌رساند [نه استفاده از تعویذ].

6- کاشتن مو

کاشتن مو برای زن حرام است، به دلیل حدیثی که از اسماء دختر ابوبکر م نقل شده است که گفته‌اند: «**لعن رسول الله ص الواصلة والمستوصلة**»[4]، «پیامبرص زنی را که

1- کتاب «فتاوى المرأة المسلمة»، (458/1).

2- أحمد و آلبانی آنرا صحیح شمرده است.

3- قسمتی از فتوای هیئت عالی افتاء در کتاب «فتاوى اسلامية»، (31/1)، با کمی تصرف.

4- البخاری.

عمل مو کاشتن را انجام می‌دهد، و زنی را که این عمل بر روی او صورت می‌گیرد، لعنت کرده‌اند». در فتوای مفصل علامه شیخ محمد بن صالح بن عثیمین:: درباره مسائل متعددی که مربوط به کاشتن مو می‌شود، چنین ذکر شده است که: استفاده از کلاه گیس حرام است، و این کار زیر مجموعه مو کاشتن است. اگر چه مثل آن نیست ولی موی سر را برخلاف آنچه که هست نشان می‌دهد، به همین دلیل شبیه به مو کاشتن است. پیامبرص زنی که عمل مو کاشتن را انجام می‌دهد، و زنی که این عمل بر روی او صورت می‌گیرد، لعنت کرده‌اند. ولی اگر سر زن اصلاً مو نداشته باشد و یا طاس باشد، برای پنهان کردن این عیب استفاده از کلاه گیس اشکالی ندارد. برای اینکه پنهان کردن نقص جایز است، و به این دلیل که «پیامبرص به شخصی که در یکی از غزوات بینی‌اش قطع شده بود، اجازه دادند از بینی مصنوعی که از جنس طلا بود استفاده کند». پس این مسأله وجه گسترده‌تری پیدا می‌کند، و شامل مسائل خودآرایی و جراحی بینی و غیره می‌شود، پس کارهایی که برای پنهان کردن یک عیب انجام می‌شود، اشکالی ندارد مانند: انجام جراحی بینی برای کسی که انحراف بینی دارد، و از بین بردن خال سیاه. ولی کارهای غیر ضروری مانند: خالکوبی و ابرو برداشتن، حرام است. استفاده بدون دلیل شرعی از کلاه گیس، حتی اگر با اجازه و رضایت همسر باشد، حرام است، به این دلیل که در اموری که خداوند حرام کرده‌اند، هیچ رخصت و اجازه‌ای وجود ندارد[1].

فرق باز کردن مو از بغل

یکی از بخشهای مهمی که به خودآرایی زن مربوط می‌شود، دانستن حکم فرق باز کردن مو از بغل که بعضی از زنها این کار را انجام می‌دهند می‌باشد.

1- کتاب «فتاوی المرأة المسلمة»، (518/2).

از شیخ محمد به صالح بن عثیمین:: درباره حکم فرق باز کردن موی سر برای زنان پرسیده شد؟.

در جواب ایشان گفتند: در فرق باز کردن موی سر، مرسوم باز کردن فرق مو از وسط می‌باشد. موی سر در جهت‌های مختلف جلو و عقب و چپ راست رشد دارد. فرق باز کردن از وسط نوع مشروع این عمل می‌باشد، ولی فرق باز کردن مو از بغل مشروعیت ندارد، و شاید نوعی تقلید از غیر مسلمانان باشد، و این عمل ممکن است شامل حکم حدیث پیامبرص شود که فرموده‌اند: «**صنفان من أهل النار لم أرهما بعد، قوم معهم سياط كأذناب البقر يضربون بها الناس، ونساء كاسيات عاريات مائلات مميلات رؤوسهن كاسنمة البخت المائلة لا يدخلن الجنة ولا يجدن ريحها**»، «دو گروه از اهل جهنم هستند که هنوز آنها را ندیده‌ام، گروهی که شلاقهایی مانند دم گاو به همراه دارند و با آنها مردم را می‌زنند، و زنانی که پوشیده‌اند و [در عین حال] برهنه‌اند، و زنانی که به طرف مردها تمایل پیدا می‌کنند و مردها را به طرف خود جذب می‌کنند [موی] سر آنها مانند کوهان شتر، خمیده است، [این دو گروه] هرگز وارد بهشت نمی‌شوند، و بوی آنرا هرگز احساس نمی‌کنند»، پس برخی از علما در توضیح «**المائلات المميلات**» گفته‌اند: آنها زنانی هستند که موهای خود را به بغل شانه می‌کنند، و موهای دیگران را نیز این چنین شانه می‌کنند. ولی نظر درست این است که منظور از «**المائلات**» زنانی هستند که از وظایف دینی که بر آنها واجب است و همچنین از حیا داشتن، منحرف شده‌اند و دیگران را نیز منحرف می‌کنند، و الله أعلم[1].

7- جمع کردن مو بر بالا سر (شینیون):

تعدادی از زنان تمام موی سر را بالای سرشان جمع می‌کنند، یا آن را تاب می‌دهند و پشت سرشان جمع می‌کنند. در فتوای علامه شیخ محمد به صالح بن عثیمین :: برای

1- کتاب «فتاوى المرأة المسلمة»، (530/2).

سوال جمع کردن مو بر بالای سر که «شینیون» نامیده می‌شود چه حکمی دارد؟ چنین آمده است:

ایشان: گفته‌اند: علماء این نظر را دارند که جمع کردن مو در پشت سر شامل حکم نهی و تعذیری می‌شود که در گفته پیامبرص آمده است: «**صنفان من أهل النار لم أرهما بعد**»، «دو گروه از اهل جهنم هستند که هنوز آنها را ندیده‌ام»، و در این حدیث آمده است: «**ونساء كاسيات عاريات مائلات مميلات رؤوسهن كأسنمة البخت المائلة**»، «و زنانی که پوشیده‌اند و [در عین حال] برهنه‌اند و زنانی که به طرف مردها تمایل پیدا می‌کنند و مردها را به طرف خود جذب می‌کنند [موی] سر آنها مانند کوهان شتر، خمیده است». بنابراین از جمع کردن مو بر روی سر نهی شده است، ولی ریختن موها بر روی گردن اشکالی ندارد، مگر زمانی که زن می‌خواهد به بازار برود که این حالت نوعی نشان دادن زیبایی می‌باشد، زیرا که موها مشخص می‌شود و باعث بروز فتنه می‌گردد، که این کار جایز نمی‌باشد[1].

8- سنجاق موهای تصویردار

از جمله مواردی که برخی از زنان درباره آن سهل انگاری می‌کنند، خریدن سنجاق موهایی است که دارای تصاویر حیوانات می‌باشد، و این کار مخالفت با نصوص قطعی دینی است که نگهداری تصویر را حرام دانسته‌اند.

دکتر شیخ صالح فوزان ـ حفظه الله ـ گفته‌اند: «... استفاده از نوار و سنجاق مو و آلات موسیقی جایز نیست، به این دلیل که استفاده از تصویر در لباس و غیره حرام است مگر تصاویر قالی و فرش که به علت لگدمال شدن و فرسوده شدن، اشکالی ندارند، و وسایل بی بند و باری باید نابود شوند و نوار و سنجاق موی تصویردار نیز که تصاویر غیر

1- کتاب «فتاوى المرأة المسلمة»، (527/2).

اخلاقی بر روی آنها است، به این دلیل که ترویج بی‌بند و باری و تشویق به آن می‌باشد، باید نابود شوند»[1].

9- لنزهای رنگی

برخی از زنان و دختران برای زیبایی از لنزهای رنگی استفاده می‌کنند، و بعضی از آنها رنگ لنزها را مطابق با رنگ لباسشان تغییر می‌دهند.

از دکتر شیخ صالح فوزان پرسیده شد که: حکم استفاده از لنزهای رنگی با توجه به این که قیمت بسیار بالایی نیز دارند، به عنوان وسیله خودآرایی و پیروی از مد چیست؟

ایشان ـ حفظه الله ـ در جواب گفته‌اند: استفاده از لنز زمانی که به آن نیاز هست، مشکلی ندارد، ولی هنگامی که به آن نیازی نیست، استفاده نکردن از آن بهتر است. به ویژه زمانی که قیمت آن گران باشد که این کار اسراف و حرام می‌باشد. و از آنجا که رنگ چشم را بدون دلیل غیر واقعی نشان می‌دهد، نوعی فریبکاری می‌باشد[2].

10- خلخال

بی‌تردید استفاده از خلخال برای زنها در هنگام خروج از خانه و در حضور نامحرمان، حرام است. خداوند تعالی می‌فرماید: ﴿وَلَا يَضۡرِبۡنَ بِأَرۡجُلِهِنَّ لِيُعۡلَمَ مَا يُخۡفِينَ مِن زِينَتِهِنَّۚ﴾. [النور: 31].

«و آنها هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانیشان دانسته شود، و صدای خلخال که برپا دارند بگوش رسد».

1- کتاب «فتاوی المرأة المسلمة»، (528/2).

2- کتاب «الفتاوی الجامعة للمرأة المسلمة»، (916/3).

ولی استفاده کردن آن نزد همسر جایز است، چنانکه در فتوای شیخ عبدالعزیز بن باز: آمده است که استفاده زن از خلخال نزد همسر و محارمش اشکالی ندارد. زیرا یکی از انواع زیور آلاتی است که زنان استفاده می‌کنند[1].

11- کفشهای پاشنه بلند

بسیاری از زنان و دختران کفشهای پاشنه بلند می‌پوشند که قد آنها را بلندتر نشان می‌دهد. در فتوای هیئت عالی افتا آمده است:

پوشیدن کفش پاشنه بلند جایز نیست، برای اینکه زن با پوشیدن آنها ممکن است زمین بخورد و انسان از نظر دینی مامور است که از خطرات فاصله بگیرد و خداوند می‌فرمایند: ﴿وَلَا تُلۡقُواْ بِأَيۡدِيكُمۡ إِلَى ٱلتَّهۡلُكَةِ﴾. [البقرة: 195].

«خود را با دست خویش به هلاکت نیفکنید» و می‌فرمایند: ﴿وَلَا تَقۡتُلُوٓاْ أَنفُسَكُمۡ﴾. [النساء: 29].

«خودکشی مکنید» و همچنین این کفشها قد و قامت زن را بلندتر از حد واقعی خود نشان می‌دهد، و باعث نوعی فریبکاری و نمایان شدن زیبایی‌هایی که از ظاهر شدن آنها برای زن مومن نهی شده است، می‌گردد. خداوند می‌فرمایند: ﴿وَلَا يُبۡدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوۡ ءَابَآئِهِنَّ أَوۡ ءَابَآءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوۡ أَبۡنَآئِهِنَّ أَوۡ أَبۡنَآءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوۡ إِخۡوَٰنِهِنَّ أَوۡ بَنِيٓ إِخۡوَٰنِهِنَّ أَوۡ بَنِيٓ أَخَوَٰتِهِنَّ أَوۡ نِسَآئِهِنَّ أَوۡ مَا مَلَكَتۡ أَيۡمَٰنُهُنَّ أَوِ ٱلتَّٰبِعِينَ غَيۡرِ أُوْلِي ٱلۡإِرۡبَةِ مِنَ ٱلرِّجَالِ أَوِ ٱلطِّفۡلِ ٱلَّذِينَ لَمۡ يَظۡهَرُواْ عَلَىٰ عَوۡرَٰتِ ٱلنِّسَآءِۖ وَلَا يَضۡرِبۡنَ بِأَرۡجُلِهِنَّ لِيُعۡلَمَ مَا يُخۡفِينَ مِن زِينَتِهِنَّۚ وَتُوبُوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ لَعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ ٣١﴾. [النور: 31].

«و آنها نباید زینت خود را آشکار سازند مگر در (12) مورد: برای شوهرانشان، یا پدرانشان، یا پدر شوهرانشان، یا پسرانشان، یا پسران همسرانشان، یا برادرانشان، یا پسران

1- منبع سابق (916/3).

برادرانشان، یا پسران خواهرانشان، یا زنان هم‌کیششان، یا بردگانشان (کنیزانشان)، یا مردان سفیهی که تمایلی به زن ندارند، یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند، آنها به هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانیشان دانسته شود (و صدای خلخال که برپا دارند بگوش رسد)، و همگی به سوی خدا بازگرددی ای مؤمنا! تا رستگار شوید»[1].

12- عطر زدن

بعضی از زنها و دختران قبل از خروج از منزل اقدام به استعمال عطر می‌کنند که باعث می‌شود توجه مردانی را که در مسیر آنها هستند به خود جلب کنند.

از شیخ عبدالعزیز بن باز:: پرسیده شد: آیا زن هنگامی که قصد رفتن به مدرسه یا بیمارستان و یا دیدن اقوام و همسایگان را دارد، جایز است که عطر بزند و از منزل خارج شود؟.

ایشان در جواب گفته‌اند: زن هنگامی که می‌خواهد به مجالس زنانه برود و در مسیر خود با مردها روبرو نمی‌شود عطر زدن برای او جایز است. ولی جایز نیست که عطر بزند و به بازار، که مردها در آنجا هستند برود. پیامبرص فرموده‌اند: «**أيما امرأة أصابت بخوراً فلا تشهد معنا العشاء**»، «هر زنی که عطر زده است پس با ما در نماز عشاء شرکت نکند» و احادیث دیگری در این باره نقل شده است، برای اینکه اگر زن از عطر استفاده کند و در مسیر مردها و مجالس مردانه مانند مسجد باشد توجه آنها را به خود جلب می‌کند، در حالی که زن باید خود را مستور نگه دارد و از خود نمایی پرهیز کند، خداوند می‌فرمایند: ﴿وَقَرۡنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجۡنَ تَبَرُّجَ ٱلۡجَٰهِلِيَّةِ ٱلۡأُولَىٰ﴾. [الأحزاب: 33].

«و شما در خانه‌های خود بمانید و همچون جاهلیّت نخستین (در میان مردم) ظاهر نوشید، اندام و وسائل زینت خود را در معرض تماشای دیگران قرار ندهید».

1- کتاب «الفتاوى الجامعة للمرأة المسلمة»، (912/3) با اختصار.

از مظاهر خودنمایی نشان دادن زیبایی‌هایی مانند صورت و سر و غیره می‌باشد[1].

و برای خودداری از این عمل حدیث پیامبرص کافی است که می‌فرمایند: «**أيما امرأة استعطرت ثم خرجت فمرت على قوم ليجدوا ريحها فهي زانية وكل عين زانية**»[2]، «هر زنی که عطر بزند، سپس [از خانه] خارج شود و از [کنار] گروهی رد شود تا بوی عطر او را احساس کنند، پس او زنا کار است و هر چشمی که او را می‌بیند، زناکار است».

1- کتاب «الفتاوى الجامعة للمرأة المسلمة»، (904/3).

2- أحمد و آلبانی آن را حسن شمرده است.

در پایان

خواهر عزیزم ..... امیدوارم با ذکر اشتباهات شرعی که بسیاری از زنان در این دوره دچار آن می‌شوند، شما را ناراحت نکرده باشم، و این اندرزهای صادقانه را فقط جهت یادآوری آنها برای خواهران مسلمان بیان کرده‌ام. پس خواهرم تلاش کن تا هر امر مخالف شرعی را که در لباس و آرایش دچار آن شده‌ای، ترک کنی و این مطلب را مد نظر قرار دهی که اگر شخصی کاری را به خاطر خداوند ترک کند خداوند جای گزین بهتری به او می‌دهد.

زیبایی حقیقی زن عبارت است از ایمان، پایبندی او به دین پروردگار و شرم از اینکه خداوند ـ عزوجل ـ او را در حالت معصیت در هر زمان و مکان ببیند.

وصلی الله وسلم علی نبینا محمد وعلی آله وصحبه أجمعین
وآخر دعوانا أن الحمدلله رب العالمین